

کتاب ماه ادبیات و فلسفه / آبان ۱۳۸۰

به گزینه «ابر» نگاه می‌کنیم. در این گزینه سه گواه از نیما، فروغ و اخوان در ذهن داریم که در این کتاب نمی‌بینیم. طرفه این که هر سه شعری که در پی خواهد آمد، در گروه شناخته شده‌ترین شعرهای این شاعرانند:

نیما شعری دارد به نام «خانه‌ام ابری‌ست». این شعر با دو سطر زیر آغاز می‌شود:

«خانه‌ام ابری‌ست

یکسره روی زمین ابری‌ست با آن»

در یک بررسی کلی در تمام سطرهای این شعر درمی‌یابیم که «ابری بودن» خانه شاعر تصویری از دل‌تنگی و ملال شاعر است و سطر دوم نشان می‌دهد که نه تنها خانه که سراسر زمین برای شاعر دل‌گیر و دل‌تنگ‌کننده است طوری که وسعت اندوه او برابر وسعت زمین است. این شعر از صمیمی‌ترین، روان‌ترین و تأثیرگذارترین اشعار نیمایی نیما یوشیج است که هرکس، گزینه‌ای از اشعار او را منتشر می‌کند، این شعر را نیز در آن می‌آورد.

اخوان هم از واژه «ابر» تصویری ساخته است و از آن جمله یکی از زیباترین سروده‌های او به نام «باغ من» با بهره‌برداری از «ابر» این‌گونه آغاز می‌شود:

«آسمانش را گرفته تنگ در آغوش

ابر، با آن پوستین سرد نمناکش»

اخوان در این شعر می‌خواهد بگوید که دیر زمانی است که پاییز پایان نمی‌گیرد و باغ ما (تصویری از کشور ما و به طور گسترده‌تر، دنیای ما) خشک و برگهای آن زرد است و هیچ بار و ثمری نمی‌دهد. برای همین منظور می‌گوید که ابرها آسمان ابی این دیار را چنان در آغوش گرفته‌اند که هیچ روزه‌ای برای خورشید بهار آور نمانده است و امید هیچ بهاری برای این باغ نمی‌رود.

فروغ در شعری به نام «باد ما را خواهد برد» می‌گوید:

«و بر این بام که هر لحظه در او بیم فرو ریختن است

ابرها، همچون انبوه عزاداران

لحظه باریدن را گویی منتظرند»

در اینجا شاعر برای به تصویر کشیدن ابرها از ترکیب «انبوه عزاداران» بهره می‌گیرد. عزاداران چه خصوصیتی دارند که برای شاعر تداعی‌کننده ابرها هستند؟

عزاداران، ۱. سیاه‌پوش‌اند ۲. می‌گریند. ابرها نیز تیره‌اند و می‌بارند. واژه «انبوه» نیز میان عزاداران و ابرها اشتراک بیشتری ایجاد

کتاب را می‌گشاییم. دارای دو صفحه «پیش‌سخن» است؛ از «آب» آغاز می‌شود به «یقین» پایان می‌یابد. در کنار هیچ‌یک از واژه‌ها، اشاره‌ای به تصویرها و توصیفهای گزینه‌ها نشده است.

گزینه آب را که نخستین مدخل کتاب است، می‌خوانیم. پانزده نمونه از چهار شاعر (فروغ، اخوان، سهراب، شاملو) آمده است. نخستین این نمونه‌ها که اولین شاهد کتاب هم به شمار می‌رود از کتاب **هوای تازه‌ی** شاملو است:

«... همراه بادی که از فراز آب‌های دور دست می‌گذرد،

یکریز فریاد می‌کشد.»

این نمونه که از شعر بلندی به نام رکسانا برگرفته شده است، نه آب، که باد را توصیف می‌کند و به تصویر می‌کشد. بادی که از فراز آبهای دور دست می‌گذرد، توصیف است و بادی که فریاد می‌کشد، تصویر است. درست است که کسی دیگر فریاد می‌کشد، اما چنانچه دقت بیشتری به خرج دهیم و با انواع شگردهای تصویرسازی شاعران آشنا باشیم، درمی‌یابیم که بادر نظر گرفتن واژه «همراه» شاعر به طور پنهانی، فریاد کشیدن را به باد هم نسبت می‌دهد و ما این را می‌دانیم که در زبان غیرشعری باد فریاد نمی‌کشد؛ در شعر است که باد می‌تواند فریاد بکشد.

در همین مدخل «آب» بیشتر می‌نگریم. این کتاب بنا دارد که تصویرها و توصیفهای پنج شاعر معاصر، شامل نیما یوشیج، فروغ فرخ‌زاد، سهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو را تدوین کند. اما در ذیل واژه آب، شاهدی از نیما نمی‌بینیم. می‌اندیشم که آیا نیما هیچ تصویری از آب نساخته است. شعر «آی آدم‌ها» را به یاد می‌آورم:

«آی آدم‌ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید

یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان»

آیا آب در این شعر در معنای واقعی خود به کار رفته است که ما در آن تصویری را نمی‌بینیم؟ آیا وقتی که این شعر را می‌خوانیم واقعاً گمان می‌کنیم یک نفر در حال غرق شدن در آب است و شاعر به آدمهای دیگر می‌گوید بدوید و او را نجات بدهید؟

پاسخ این است که خیر؛ این شعر سخن دیگری دارد. آشنایی با شاعر و حال و هوای شعرهای او به‌ویژه قرینه‌هایی که در ادامه همین شعر آمده است، ما را به این نتیجه می‌رساند که «آب» تصویری از جامعه‌ای تیره و آلوده است که انسانی پاک و آزاده را در خود فرو می‌بلعد.



● تصویرها و توصیف‌ها در شعر معاصر ایران

● نشر آتیه، چاپ اول، ۱۳۷۹

حال با توجه به ادعای یاد شده به بررسی پرسشهایی که پیش تر آورده ایم، می پردازیم.

۱- تعریف ما از تصویر و توصیف در شعر چیست؟

تصویر در شعر همان است که غربیها به آن ایماژ (image) می گویند و در زبان فارسی به نقش ذهنی، استعاره، تصویر و... ترجمه شده است. قدما آن را در چهار شکل تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه (زیر عنوان علم بیان) بررسی می کرده اند؛ مولانا در شعری گفته است «مخیلات مصور شده»؛ دکتر شفیعی کدکنی می گوید «صور خیال» و دکتر شمیسا آنها را با عناوین تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز (ابزارهای تصویرساز از نظر قدما) به علاوه استعاره گونه‌ها، اسطوره، کهن الگو و سمبل (نماد) به عنوان ابزارهای تصویرساز تازه شناخته شده مورد بررسی قرار می دهد. برای روشن تر شدن موضوع به اشاره‌هایی از دو کتاب مرجع فارسی در این زمینه می پردازیم.

دکتر شفیعی کدکنی در کتاب **صور خیال در شعر فارسی** (انتشارات آگاه، صفحه ۳) می گوید: «هر گوشه‌ای از زندگانی انسان با گوشه‌ای از طبیعت هزاران هزار پیوندهای گوناگون دارد. ذهن شاعر گاه یکی را احساس می کند و در برابر آن بیدار می شود و حاصل این بیداری خود را به ما نشان می دهد. شعر، زاده این کوشش شاعر است برای نمایش درک او از نسبتهای میان انسان و طبیعت، طبیعت و انسان، و انسان و انسان.»

دکتر سیروس شمیسا نیز در کتاب **بیان** (انتشارات فردوس، صفحه ۲۱) آورده است:

«ادبیات کلام مخیل است [...] هنرمند کسی است که مخیل و تصویری و عاطفی می اندیشد و می بیند و بیان می کند. مثلاً در باب مرگ مکرر و مستمر قبیله انسانی چنین نوحه سر می دهد:

کوچ انسانها را تا دره مرگ
کو دروغا گوئی

(منصور اوجی)

و همین که به سپری شدن عمر، «کوچ» و به گور و درگذشت، دره مرگ گفته است تابلویی و با به قول علمای معانی و بیان فرنگی، ایماژی در پیش چشمان ما مصور کرده است.»

پس شاعر از طریق کشف پیوند دو چیز که از تخیل او سرچشمه می گیرد، دست به نقاشی و تصویرگری می زند، اما این تصویرگری در زبان و در واژه‌ها و جمله‌ها اتفاق می افتد.

اگر گردآورندگان کتاب، تعریفهای فوق را می پذیرند، با توجه به

کرده است.

آنچه تا اینجا یادآور شدیم مربوط است به این پرسش که کدام شعرها و بر چه پایه‌ای برگزیده شده‌اند تا به عنوان شاهد تصویرها و توصیفها مورد استفاده قرار گیرند؟ با نگاهی دقیق تر درمی یابیم که این کتاب در برابر پرسشهای اساسی تری قرار می گیرد که نگارنده در اینجا کوشش می کند که به صورتی کوتاه و سنجیده به آنها اشاره کند و تا آنجا که می تواند به هر یک پاسخ گوید. پرسشهای اساسی ما این است:

- ۱- تعریف ما از تصویرها و توصیفها در شعر چیست؟
- ۲- منظور از نشان دادن تصویرهای شاعرانه چیست و این کار چه نتیجه‌ای دارد؟
- ۳- آیا پیش از این نمونه‌ای از فرهنگ تصویرهای شعر در زبان فارسی وجود داشته است؟

۴- این کتاب براساس چه روشی فراهم آمده است؟

۵- آیا این کتاب توانسته است گرهی را بگشاید؟

پیش از بررسی پرسشهای یاد شده لازم است یک بار دیگر به کتاب مراجعه کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که گردآورندگان کتاب چه ادعا و چه انگیزه‌هایی در انجام این کار داشته‌اند. آنچه در توضیح کتاب (پیش سخن دو صفحه‌ای) در این باره مورد تأکید قرار گرفته به قرار زیر است:

الف- این کتاب در نظر دارد تصویرها و توصیفهای شعر فارسی در دوره اخیر را به صورت یک فرهنگ (یا فرهنگ‌واره) نظم ببخشد. ب- این فرهنگ یا فرهنگ‌واره (هر دوی این تعابیر در پیش سخن آمده است) بیشتر برای اهل پژوهش و کسانی که به بررسی شعر دوره اخیر می پردازند، تهیه شده است.

شواهدی که از تصویرسازی شاعران با واژه «آب» و «ابر» در ابتدای این نوشته آمد، این کتاب ناقص، نارسا و نامفهوم است. اگر هم این تعریفها را نمی‌پذیرند، نگارنده مشتاق است که تعریف ایشان از تصویرهای شعری را بدانند. اگر برای پاسخ‌گویی به پرسش فوق به «پیش سخن» استناد شود آنجا که نوشته‌اند: «اساس این نظم‌بخشی را مهم‌ترین موضوعی انتخاب کردیم که دستمایه تصویر و توصیف شاعرانه قرار گرفته است»، باز ما خواهیم گفت:

آیا شعر «خانه‌ام ابری‌ست» و شعرهای دیگر که مثال آوردیم، موضوعات مهمی در بر نداشته‌اند؟

درباره وصف و توصیف نیز لازم است که دست کم توضیحی با چند نمونه مطرح شود. در همان مثال نخستین که سطرهایی از شعر رکسانای شاملو مورد بررسی قرار گرفت، برای ما مفهوم نیست که چگونه «آب» در آن شعر وصف یا تصویر شده است. وصف کردن در لفظ به معنای شرح کردن و صفت کردن و ستودن چیزی به کار می‌رود. به عنوان مثال در این شعر سهراب که در این کتاب در ذیل واژه «هوایما» آمده است، ارتفاع هوایما این چنین وصف شده است:

«و هوایمایی که در آن اوج هزاران پای
خاک از شیشه آن پیدا بود...»

۲- منظور از نشان دادن تصویرهای شعری شاعرانه چیست و این کار چه نتیجه‌ای دارد؟

یکی از مهم‌ترین نتایجی که از بررسی تصویرهای خیالی در شعر شاعران به ویژه بررسیهای تطبیقی به دست می‌آید، آشنایی با سبکهای فردی هر شاعر و هر دوره است. دکتر شمیسای این نوع بررسی را «سبک‌شناسی صور خیال» می‌نامد. وی درباره سبک‌شناسی توصیفی چنین توضیح می‌دهد:

«... شارل بالی - شاگرد فردینان دوسوسور و پایه‌گذار سبک‌شناسی جدید - ... می‌گوید باید کلمات یا عباراتی را که محتوای واحدی دارند اما احساس و عواطف متفاوتی را بیان می‌کنند، جمع‌آوری و با هم مقایسه کرد تا اختلاف سبکها مشخص شود. به این محتوای واحد unite de pensee یعنی «واحد فکر» می‌گویند. (دکتر سیروس شمیسای، بیان، صفحه ۲۹)

شمیسای در جای دیگری در همان کتاب تحت عنوان فرعی «ادای معنای واحد به طرق مختلف» (که بخشی از آن از طریق تصویرسازیهای خیالی صورت می‌پذیرد)، چند نمونه از نحوه ادای معنای واحد به طرق مختلف را از شاعران دوره‌های مختلف زبان فارسی آورده است که خواندنی‌اند و ما در اینجا به ذکر یک معنی و مفهوم (پیری) از دید چند شاعر بسنده می‌کنیم:

«در بیان پیری:

پراز برف شد کوهسار سیاه

همی لشگر از شاه بپند گناه

(فردوسی)

چو کوه سپیدش سر از برف موی

دوان آتش از برف پیری به روی

(سعدی)

سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم

از این درخت همین میوه غم است برم

(جامی)

نه

این برف را

دیگر

سر باز ایستادن نیست

برفی که بر ابروی و به موی ما می‌نشیند

(الف. بامداد، بیان، صفحه ۲۸)

همان‌طور که در اشعار فوق ملاحظه می‌کنید، هر شاعر با نگاهی

متفاوت از پیری یاد می‌کند.

از طرفی، پرداختن به تصویرهای خیالی در شعر شاعران ما را با توانایی یا ناتوانی شاعران در کشف پیوندهای خیالی تازه آشنا می‌کند، یعنی ما می‌توانیم از این روش در نقد شعر نیز یاری بجویم. همچنین تصویرسازیهای شاعران می‌تواند کارکردها، نقشها و بارهای عاطفی متفاوتی از واژگان بیرون آورد و یا به آنان تحمیل کند و با شناخت این شگردها ما می‌توانیم از کاربردهای متفاوت و جدید یک واژه یا ترکیب در زبان آگاه شویم.

۳- آیا پیش از این نمونه‌ای از فرهنگ تصویرهای شعری در زبان فارسی وجود داشته است؟

گردآورندگان کتاب مورد بحث می‌گویند پیش از این نمونه مهمی چه به زبان فارسی و چه زبانهای فرنگی پیش رو نداشته‌اند. نگارنده با این مطلب موافق است که نمونه کاملی به صورت تصاویر خیالی در شعر معاصر منتشر نشده است، اما به این مطلب نیز انتقادهایی را وارد می‌داند که در ادامه به آنها اشاره می‌کند:

الف- به نظر می‌رسد اولین کتاب معتبر و کاملی که در زمینه تصویرهای خیالی در شعر فارسی در سده اخیر نوشته شده است، کتاب **صور خیال در شعر فارسی**، نوشته دکتر شفیع کدکنی است. البته در این کتاب شعر شاعران نام‌آور فارسی زبان تا پایان قرن پنجم هجری مورد بررسی قرار گرفته است، اما بخشهای قابل توجهی از کتاب به بحثهای انتقادی و علمی (آن هم با نگاهی جدید) درباره تصویرهای خیالی در شعر اختصاص یافته است. این کتاب خود راهنمای مناسبی برای پژوهشگران تصویرهای شعری است.

ب- در سال ۱۳۷۷ کتاب مفصلی به عنوان **صور خیال در خمسه نظامی** (که از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر شده) به صورت یک فرهنگ به کوشش دکتر برات زنجانی گردآوری و تدوین شده است که جای نقد و بررسی آن کتاب، اینجا نیست. اما به اشاره می‌توان گفت که این کتاب به مقصودی که پژوهشگر می‌خواسته است نایل آمده و صاحب روشی است که به آن روش وفادار بوده است.

پ- در چند دهه اخیر بررسیهای علمی جدیدتری برای تعریف، طبقه‌بندی و روشهای تصویرسازی شعری به عمل آمده است که مهم‌ترین آنها تا آنجا که نگارنده می‌داند، کتاب بیان دکتر سیروس شمیسای است. مطالعه این کتاب برای دانشجویان و پژوهشگران در زمینه شناخت شعر فارسی و تصویرهای شعری بسیار سودمند است.

ت- در کتابهای انتقادی که دکتر پورنامداریان و دکتر شمیسای درباره اشعار نیما، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری و احمد شاملو نوشته‌اند، بخشهای مستقلی به بررسی تصویرهای شعری این شاعران اختصاص داده شده است.

ث- نکته آخر در این باره این است که درست است که نمونه کاملی به عنوان فرهنگ تصاویر شعر معاصر نداشته‌ایم، اما نمونه‌هایی که از آنها یاد شد، به اندازه‌ای مهم و راه‌گشا است که هر گونه توجیهی برای پوشاندن کاستیهای جدی کار، بی‌اساس خواهد بود.

البته گردآورندگان کتاب (در صفحه ۵) خود یادآور شده‌اند که: «راست است که این کار، صبغه‌ای پژوهشی و علمی دارد، اما کسانی که [به] بهره‌جویی از این فرهنگ‌واره می‌پردازند، در خواهند یافت که [ما] صرفاً به گزارش واژه نگارانه از شعر معاصر نپرداخته‌ایم.» متأسفانه نگارنده به چنین دریافتی نایل نشد.

۴- این کتاب براساس چه روشی فراهم آمده است؟

در این باره هم تنها توضیحی که به دست می‌آوریم در همان «پیش سخن» است:

«اساس این نظم بخشی [نظم بخشیدن به فرهنگی از توصیفها و تصویرهای شعر فارسی معاصر] مهم‌ترین موضوعی انتخاب کردیم که دستمایه تصویر و توصیف شاعرانه قرار گرفته است.»

اشاره به «مهم‌ترین موضوع» بسیار کلی است و نیاز به تعریف دارد، چرا که هر کس می‌تواند به رای و سلیقه خود مهم‌ترین موضوع را انتخاب کند. البته این کار ایرادی نخواهد داشت به شرط آن که خواننده را از نحوه تعیین مهم‌ترین موضوع آگاه کنیم. حال ما فرض را بر آن می‌گذاریم که واژه‌های گزیده شده که در کتاب، براساس حروف الفبا آمده است، مهم‌ترین موضوعاتی است که دستمایه شاعران موضوع کتاب قرار گرفته است. آیا می‌توانیم بپرسیم که «خانه ام ابری است» موضوع مهمی دارد یا نه؟ (با توجه به توضیح ابتدای این نوشته)

یا مثال دیگری از شعر نیما می‌آوریم:

«می‌تراود مهتاب

می‌درخشد شب تاب»

به حرف «ت» در کتاب مراجعه می‌کنیم و «تراویدن» را جست‌وجو می‌کنیم. این واژه هم در کتاب موجود نیست. آیا «تراویدن» در این شعر، تصویری نمی‌سازد؟ آیا مهتاب به واقع می‌تراود؟ تراویدن در لفظ به معنای چکیدن، تراوش کردن آب و شراب و به طور کل مایعات است؛ در حالی که در این شعر در کنار نور ماه نشسته است. آیا ماه می‌تراود یا می‌درخشد؟ این نوعی اسناد مجازی است که در گروه تصویرهای خیالی قرار می‌گیرد؛ یعنی تراویدن در معنای واقعی خود به کار نرفته است. ماه تنها در نگاه شاعر می‌تواند بتراود. شاید گردآورندگان در این تصویرسازی «موضوع مهمی» نیافته باشند. هم چنین واژه «داروگ» که در این کتاب نیامده است در این سطر از شعری به همین نام از نیما:

«قاصد روزان ابری، داروگ! کی می‌رسد باران؟»

شاعر داروگ را که قورباغه‌ای درختی است، مورد خطاب قرار داده است و از او سؤال می‌کند که باران کی می‌آید، یعنی داروگ در این شعر شخصیتی انسانی یافته است و این خود نوعی از تصویرسازی است. در ضمن این شعر هم بسیار مشهور است و در غالب گزینه‌های شعر نیما منتشر می‌شود.

گواه دیگری از فروغ می‌آورم؛ از شعری آشنا با نام «آن روزها»:

«آن روزها رفتند

آن روزهای خوب

آن روزهای سالم سرشار

آن آسمان‌های پر از پولک

...!»

به آخرین سطر توجه کنید: «آسمان پر از پولک» پولک تصویری است استعاره‌ای از ستارگان. این واژه هم در کتاب مورد بحث نیامده است. در ادامه همین شعر به سطری می‌رسیم که می‌گوید:

«آن بام‌های بادبادک بازیگوش

آن کوچه‌های گیج از عطر ااقای‌ها»

بازیگوش صفتی است انسانی اما در اینجا تصویری ساخته است از حرکت و بازی بادبادکی که در آسمان به تحریک باد یا حرکت دست یک کودک به این سو و آن سو سرک می‌کشد. این واژه نیز در کتاب مورد بحث نیامده است. جالب این که سطر بعدی شعر، ذیل واژه «گیج» در کتاب آمده است.

آیا گردآورندگان در این واژه‌ها و سطرها تصویری ندیده‌اند یا

این شواهد به نظر آنها موضوع مهمی نیامده است؟

بنابر شواهدی که تاکنون آورده‌ایم به این نتیجه می‌رسیم که گردآوری این کتاب، پایه تعریف شده‌ای لاف‌لاقی متناسب با عنوان کتاب نداشته است. متأسفانه بحث درباره این که این کار به چه روش یا روشهایی می‌تواند انجام بگیرد در این فرصت کوتاه نمی‌گنجد، اما مطالعه کتابهای معتبری که در این زمینه نوشته شده است، بدون تردید سودمند و راهگشا خواهد بود.

مطلب مهم دیگری که می‌بایست درباره روش گردآوری چنین کتابی مورد توجه قرار گیرد این است که به هر حال معمولاً گوهر و ماهیت شعر (که نه گزارشی و خبری است و نه زبان علمی دارد) ایجاب می‌کند که وصفی و تصویری باشد، تا حدی که به یک اعتبار وصف و تصویر، همان شعر است. عمده این است که پژوهشگر با ذوق بتواند تصویرها را در شعر کشف کند و به خوانندگان بنماید تا از این رهگذر جنبه‌های زیباشناختی شعر نمود یابد. این مهم، نیاز به دو خصلت همراه دارد که یکی، روحیه پژوهشگری (مطالعه، دقت، شکیبایی و دانشجویی) و دوم، ذوق ورزی است. ویژگی اول را می‌توان با شناخت تعریفها، محدوده‌ها، طبقه‌بندیها و روشها به دست آورد و ویژگی دوم را با نگاهی زیباشناس و آموخته و آمیخته با عاطفه و ذوق و احساس که همواره از تعریفها فراتر می‌رود، اگر ما بدون هیچ‌گونه مبنایی نخواهیم فرهنگی از توصیفها و تصویرهای شعری همه شاعران تدوین کنیم، به یاری استاد ادبیات «یا دانشجوی ادب فارسی» نیاز نداریم. این کار یک حروف‌چین می‌خواهد و یک نرم‌افزار مثل زرنگار و یک نفر که فرهنگ لغات را پیش روی بگذارد و از حروف‌چین بخواهد که واژه‌ها را برای او در رایانه جست‌وجو کند و آن سطر به خصوص را هم به عنوان شاهد بیاورد. به این ترتیب بزرگ‌ترین فرهنگ تصاویر شعری جهان قابل انتشار خواهد بود.

تردید نیست که گردآورندگان کتاب مورد بحث، تعریفی از تصویرهای شعری نزد خود دارند و گرنه به جای دوپست صفحه می‌توانستند دو هزار صفحه بلکه بیشتر با همین عنوان و از همین پنج شاعر شاهد بیاورند. اما با کمال تأسف، این تعریف نزد ایشان مانده است. شاید صفحاتی از کتاب نزد ایشان است که منتشر نشده و انتشار آن گره‌گشای این خواننده علاقه‌مند باشد.

نکته نهایی درباره روش تدوین کتاب این که همین کتاب را هم می‌شد با اندکی توضیح یا حتی با اشاره‌ای کوتاه به تصویرها و توصیفهای هر یک از واژه‌ها در کنار هر یک از نمونه شعرها کامل‌تر کرد. مثلاً در ذیل واژه «آب» به تصویری که هر یک از شاعران با واژه آب ساخته‌اند یا از واژه آب استخراج کرده‌اند، اشاره می‌شد تا چیزی هم دستگیر خوانندگان شود.

۵- آیا این کتاب توانسته است گرهی را بگشاید؟

گمان می‌کنم پاسخ این سؤال همه مطالبی باشد که از ابتدای این نوشته بیان شده است. به هر حال می‌بایست عرض کنم که انتشار این کتاب (با توجه به کاستیهای آن)، ضرورت بررسیهای دقیق، انتقادی و علمی را در زمینه شعر معاصر بیش از پیش به صاحب‌نظران گوشزد می‌کند.

نهایت این که این کتاب تبدیل شده است به منتحی از سطرهایی از شعر پنج شاعر معاصر. ما تا به حال گزیده شعرها را دیده بودیم و اینک با گزیده واژه‌ها و گزیده سطرها مواجهیم. عنوان این کتاب آن چنان که شایسته متن آن باشد می‌تواند چیزی شبیه به این عبارت باشد: «گزیده واژه‌ها یا سطرها از شعر پنج شاعر معاصر».